

■ گفت‌وگوی م.ف. فرزانه با صادق هدایت

این متن اکنون را از نسخه چاپ پاریس که آقای فرزانه در سال 1988 در پانصد نسخه منتشر کرده‌اند وام گرفته‌ایم. تا بعد...

م.ف. فرزانه -

- آیا شما معتقدید که خط فارسی باید عوض شود؟

- چرا که نه؟ این چه تعصبی است که همه راجع به خط دارند؟ خط فقط وسیله نوشتن و خواندن است. مگر زبان ما عربی است که فقط باید به عربی بنویسیم؟ یک موقعی قدرت دست عرب‌ها بود. آدم‌های باسواد نه تنها به خط عربی مینوشتند، بلکه بدون اینکه عرب باشند کتاب به عربی مینوشتند. حالا قدرت و علم دست خاج‌پرست‌ها افتاده است و اگر کسی بخواهد واقعاً به علوم دست پیدا کند با خط لاتین بیشتر سر و کار دارد. ولی مساله در اینجا چیز دیگریست؛ معلوم نیست سرنوشت کتاب‌های فارسی که به این خط نوشته شده چه خواهد بود. اساتید محترم که سر تلفظ هر کلمه با همدیگر دعوا دارند، مجبور میشوند کلمات را با اصواتشان بنویسند. شجاع باید تلفظ کرد یا شجاع؟ لغات عربی را ما غالباً با معنی و تلفظ غیرعربی مصرف میکنیم. آنوقت دست فضلاء باز میشود. به همین جهت خود این اشخاص کارشکنی میکنند. میترسند که دکان فضل‌فروشی‌شان کساد بشود و دیگر ندانند از چه راهی نانشان را در بیاورند.

- یعنی مهمترین مدرک سوادشان املاء و تلفظ است؟

- پس چیست؟ روزی که بنا بشود خط را عوض بکنند باید کتاب‌ها را به خط جدید بنویسند، کتاب لغت درست بکنند، دیکسیونر اصطلاحات بنویسند... برای این کار باید پهلوی بدانند، عربی بدانند، ترکی بدانند، یونانی بدانند، تاریخ وضع لغات را در بیاورند... این‌ها کار یکی دو نفر نیست. آمده‌اند تو این خلدانی زور زده‌اند و یک فرهنگستان قلبی پس انداخته‌اند که از خشتکشان لغت درمیاورند. چرا که کاری ندارند به زبان رایج. زبان برایشان ناندانی است. مثل همه چیز دیگر.

- اتفاقاً یک جزوه از آقای ذبیح بهروز بدستم افتاده است که خط جدیدی را پیشنهاد میکند و گویا بوسیله این خط که بر اساس شکل حرکات لب و دهان و دماغ در موقع تلفظ حروف است، بچه‌ها زود خواندن و نوشتن را یاد میگیرند.

- بله؟ خط جدید؟ جدید بودنش در اینست که الفبای سیری‌لیک (خط اسلاوها) و لاتن را نوی هم‌دیگر بر زده وگرنه سال‌هاست که مستشرق‌های فرنگی برای آسان کردن کار خودشان عربی و فارسی را به صورت فونه‌تیک (صوتی) مینویسند و میخوانند و با این ترانس کریپسیون (تبدیل دقیق یک خط به یک خط دیگر) دچار اشکال نشده‌اند... مگر ترک‌ها خطشان را عوض نکردند؟ چه لزومی دارد که آدم بیاید و خط من درآری بسازد؟ ... تازه اگر روزی روزگاری بخواهند کتاب‌های موجود را به خط دیگری در بیاورند دکان کسانی که با کتاب‌های خطی کسب میکنند تخته میشود... مسایل یکی دو تا نیست. این خط را فعلاً نباید کنار گذاشت. خط را به تدریج باید عوض کرد. عجاناً باید مشکلات ساده‌اش را حل کرد. مثلاً موقع چاپ میکنند، حروف اضافه را مجزا نوشت ولی لغات مرکب را سر هم نوشت.

- مثلاً؟

- مثلاً چاپخانه یعنی جایی که چیز چاپ میکنند، اگر چاپ و خانه را سوا بنویسی میشود دو لغت، یا آبجو یک کلمه است، آب و جو را جدا از هم بنویسی معنی‌شان عوض میشود... مثال خیلی زیاد است. باید هم چاپچی شعور به خرج بدهد و هم محصص. لغت‌های مرکب در فارسی زیاد است، خیلی وقت‌ها پساوند یا پیشاوند فارسی است، ولی لغت عربی است... این کارها را فعلاً میشود کرد تا روزی که آدم باسواد زیاد بشود. کتاب‌خوان‌ها زیاد بشوند. اگر از حالا شروع بکنند به چاپ کردن کتاب به خط لاتین، بالاخره روزی میرسد که بشود کار جدی کرد، خط جدید را رسمی کرد. بهروز آدم باسواد و خوش‌نیتی است، فقط در همه چیز اغراق میکند. چه او و چه مقدم که اسم خودش را مقدم تلفظ میکند و به این ترتیب خیال میکند که اسمش را فارسی سره شده و از نژاد آریایی! زکی‌سه! این‌ها کار اتی‌مولوژی (ریشه‌شناسی لغات) را به جایی کشانده‌اند که انگار عرب‌ها از اصل زبان نداشته‌اند و این زبان

فارسی است که معرب شده... نه لغت داشته‌اند و نه با همدیگر حرف می‌زده‌اند... این جور تعصب را باید کنار گذاشت. هر ملتی جای خودش را دارد. درست است که عرب‌ها به دنیا که زده‌اند ولی اگر آدم ادعا بکند که از اصل وجود نداشته‌اند تازه میشود یک پا هیتلر که موجودیت هیچ ملتی را به جز ملت آلمان که فدای مزخرفاتش شد قبول نمیکرد. / برگرفته از سایت زبان فارسی